طنز هنری

لحظه خاص

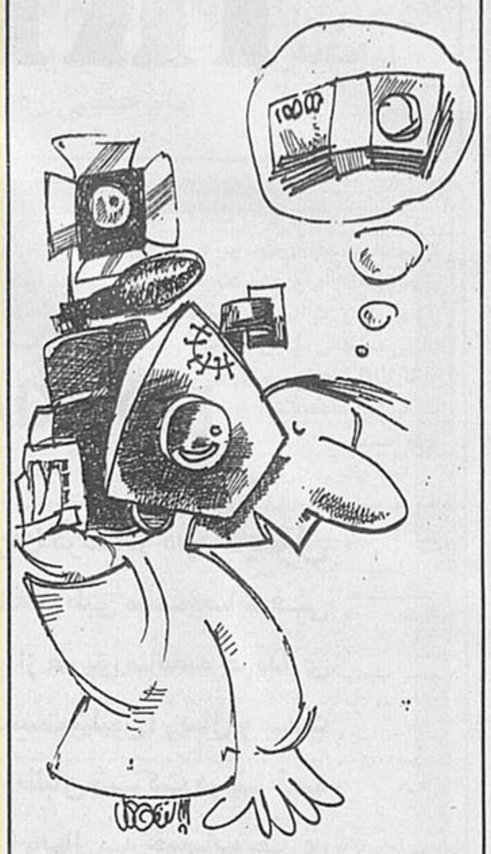

- چی... لحظه خاص؟!

... خب معلوم است، برای هر هنرمند، یک لحظه خاص وجوددارد که بیشترین و بهترین لذت را از کاری که کرده است می‌برد.

طبیعتاً آن «لحظه» با توجه به روحیه فرد، تاریخچه زندگی، نوع اثری که آفریده است و نمی‌دانم، چند چیز دیگر که در علوم روانشناسی و فلسفه هنر و مبانی زیبایی شناسی آمده است تعریف و تبیین می‌شود..... مگر غیر از این است؟

- .... ای بابا مثل اینکه تو این مملکت زندگی نمی‌کنی؟!

آقاجون خونه‌ات کجاست؟ بابا رو دلش خوش!

لحظه خاص الان جور دیگری تعریف می‌شه، هیچ ربطی هم به این حرفهایی که زدی نداره.

- یعنی چی آقا؟

- یعنی همین که گفتم. مخصوصاً برای هنرمندانی که با صدا و سیما همکاری می‌کنند و سریال‌های خانوادگی، کلیپ‌های سفارشی پر از گل و بلبل می‌سازند و ... هزار چیز دیگر. لحظه خاص جور دیگری تعریف و توصیف می‌شه. متاسفانه این تعریف جدید شیوع هم پیدا کرده است.

- آقاجون همانطور که گفتم لحظه خاص، لحظه‌ای است که اثر هنری یک هنرمند با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند و مخاطب با آن اثر آشنا می‌شود و ...

- ای بابا، باز هم که داری حرف خودت را می‌زنی. سر به هوا الدوله این حرفها تمام شده. چرا نمی‌خوای قبول کنی...!؟

... لحظه خاص برای هنرمند لحظه دریافت چک ارسالی از طرف ... است. هنرمند کجا وقت می‌کند به مخاطب فکر کند. یا اصلاً چه ربطی به مخاطب دارد که هنگام ساخت اثرش به مخاطب فکر کند، فقط باید فکر این باشد که اثری را که به او سفارش داده‌اند و یا با هزار زحمت و سفارش به او داده‌اند تا بسازد، همانطور که می‌خواهند تحویل دهد.

والســـــلام

از گلهای رنگارنگ تا گلهای پرورشی

نقد و نظری بر نوار موسیقی «گلهای خفته»

■ رضا مهدوی

■ گلهای خفته (قطعاتی همراه با سنتور)

■ اجرا: مسعود میثاقیان

■ تهران، موسسه آوای چنگ - ۱۳۷۵

□ بهتر است، برای خیر و صلاح خودمان هم که شده، از این به بعد، کمتر تقسیماتی مثل: «این موسیقی سنتی است» و «این موسیقی جدید است» و امثال این حرفها را به کار ببریم و اگر فقط همین‌ها را به کار می‌بریم اسمشان را «نقد» نگذاریم. البته این حرفها فی‌نفسه بد نیست و حتی روشنگر هم هست و جایگاه تقسیمات علمی، فنی، و هنری همراه با سلسله مراتب تفکیک موسیقیایی نیز سر جای خودش بسیار مغتنم است ولی اینها دلیلی بر نقد نیست و خیلی حرفها می‌تواند روشنگرانه باشد ولی «نقادی» نباشد در عین حال ممکن نیست که چیزی نقادانه باشد ولی از روشنگری خالی باشد. اگرچه وظیفهٔ منتقد، روشنگری، به معنای معلمانهٔ کلمه نیست.

□□□

اگر بگوییم نوار گلهای خفته که هنرمند میثاقیان بعد از بیست سال غیبت از صحنه‌های موسیقی، به ما هدیه کرده، «موسیقی پاپ است که در آن صدای سنتور ایرانی شنیده می‌شود»، درست گفته‌ایم و خطا نرفته‌ایم و باید این را باور کنیم که «پاپ» بودن یا نبودن یک قطعه موسیقی، اصلاً دلیلی بر ارزشگذاری آن موسیقی نیست. ملاک ارزش و یا بی‌ارزشی هر موسیقی، در نحوهٔ ساخت و پرداخت خود آن موسیقی پنهان است و اگر کسی استعدادش را داشته باشد و بخواهد، می‌تواند بدون هیچگونه اطلاعی از بیرون، صرفاً با شنیدن خود آن موسیقی، میزان ارزشش را بفهمد. چه بسیار آثاری که با استفاده از نغمه‌های اصیل سنتی و با مقامی درست شده‌اند، با بهترین سازهای شهری و با ارکستر سمفونیک اجرا شده‌اند ولی از لحاظ بافت و بیان و اجرا بی‌ارزشند و فقط یک عنوان پرطمطراق را به خود بسته‌اند که کسب هویت کنند و خودشان را در جایگاه اعلی علیین‌ها بنشانند. یک تکه ده دقیقه‌ای از سنتور مرحوم «استاد ورزنده» بر صدها ساعت از آثار آقایان مقلد و کنسرتوساز و کنسرتینوساز، شرف و برتری دارد و یک قطعه ده دقیقه‌ای از «واروژان فقید»، بزرگتر و مهم‌تر است از صدها ساعت قطعات بی‌ربط و بی‌تناسب و بی‌هویتی که به ضرب زور ارکستر سمفونیک به خورد ملت داده می‌شوند.

□□□

اگر مسعود میثاقیان هم دچار این بیماری مسری شده بود که برای کسب هویت تقلبی بالای نوارش عناوینی از قبیل «موسیقی نوین»، «معاصر» و... بنویسد، جای ایراد بود. ولی او به ساده‌ترین طرز و دلنشین‌ترین صورتی، همانگونه که قطعاتش از جان و دلش برخاسته و رایحه‌ای دل‌انگیز در فضای درون و بیرون آدمی ایجاد می‌کند، کارش را عرضه کرده است.

میثاقیان برای اهل موسیقی موقعیتی خاص دارد. برای سنتور نوازان سنتی، نامی غریب و دیرآشناست و برای اهل موسیقی پاپ، نامی آشنا و محبوب است. ما هیچگاه نمی‌توانیم توقع این را داشته باشیم که همهٔ طیفها علاقمندی خودشان را به یک سبک و شیوه ابراز دارند، بلکه برعکس نمی‌بایست اینگونه باشد چراکه حس رقابت و سعی دریافته‌های نوین هیچگاه در هنرمند متبلور نمی‌شود. چندین سال قبل، یک صفحهٔ ۳۳ دور نیز از نواخته‌های او را داشتم که در آن سمفونی چهل مونسارت و ملودیهای معروف موسیقی کلاسیک غربی تا آهنگهای روز آمریکایی و ترانه‌های «فرانک سیناترا» و «تام جونز» در آن بود. گاهی هم رادیو تلویزیون وقت و صدای و سیمای فعلی دقایقی از آن را پخش می‌کرد و می‌کند. حالا که انواع و انحاء و اقسام تولیدات سنتور نوازی- از سنتی خالص تا کارهای پپانیستیک و ژیمیناستیک موزیکال- به بازار آمده، بعد از اینهمه وقفه در کار میثاقیان که سنتورنوازی معاصر مدرن سنتی!! جای خود را باز کرده، جای نوازندگی او در اثری چون «گلهای خفته» که به عبارتی از گلهای رنگارنگ تا گلهای پرورشی!؟ بنده تعبیرش می‌کنم آنهم با مضرابهای لخت (بدون الحاقات اضافی) در گلخانهٔ موسیقی ایرانی حاوی گلهایی با ریشه و تبار اروپایی ایرانیزه شده و حتی ترک استانبولی حقیقتاً خالی بود.

□□□

موسیقی پاپ ایرانی، اصطلاحاً آن نوع موسیقی است که با استفاده از ابزار مخلط (ایرانی و فرنگی) موسیقی، گاهی با الحان مخلط و با شیوهٔ بیان غیرسنتی و غیر مقامی و نیز متفاوت از اجراهای سمفونیک، تهیه می‌شود و بعضی تکه‌های باارزش در موسیقی صدا و سیما، نمونهٔ این موسیقی است. در سالهای آخر دوره سنتمشاهی، در آن آشفته‌بازار موسیقی‌های مبتذل و فرمایشی و خانمان برانداز چند تن بودند که صمیمانه می‌کوشیدند موسیقی «پاپ ملی» را برای ما درست کنند و چند اثر هم نوشتند و اجرا کردند که کوشش صمیمانه‌شان را به گوش ما می‌رساند و در دل ما می‌نشاند. نمونه‌اش، بعضی کارهای «اسفندیار منفردزاده» و همه کارهای «واروژان» (سازنده موسیقی سلطان صاحبقران علی حاتمی) و دو سه تا ترانه از «فرامرز اصلانی» و «کوروش یغمایی» (که خوشبختانه هنوز خانه‌اش را ترک نکرده و کار می‌کند و «سبب نقره ایش» فروش طلایی داشته!) و «مازیار» (که نوار «گل گندم» او هم فروش طلایی داشت×) و «محمد نوری» و خیلی جوانهای دیگر که استعداد زیادی دارند و کار می‌کنند.

□□□

موسیقی سنتی و موسیقی مقامی، سرمایهٔ ملی ماست و باید حفظ شود و اشاعه هم پیدا کند ولی برای تأمین نیازهای تمام قشرهای جامعه کافی نیست و شأن موسیقی ردیفی و موسیقی مقامی در جای دیگری است و این هم که تا به حال از آنها به

● موسیقی سنتی و مقامی، سرمایه ملی ماست و باید حفظ شود و اشاعه هم پیدا کند اما برای تامین نیازهای تمامی اقشار جامعه کافی نیست.

عنوان موسیقی‌های میان برنامه‌ای و رسانه‌ای استفاده شده، اشتباهی در حد خیانت است. نوع درست و سالم موسیقی برای این نیازها همان موسیقی پاپ است که در غرب، انواع سالم و انواع مسموم و ناسالم را با هم دارد و ما می‌توانیم از نوع سالمش که رنگ و حال و هوای خودی و ملی دارد بهره‌مند بشویم. نمونه‌اش کارهای متین و سلامت و دلنشین خانم «پری زنگنه» که ترانه‌های محلی را خوانده بود و این ترانهٔ «باز بلران...!» که از رادیو می‌شنویم و یا همین گلهای خفته - به شهادت آثاری که تابحال از مضرات ایشان شنیده‌ایم و اگر اثر دیگری از او به بازار بیاید که در شیوهٔ و سبک دیگری باشد آن وقت باید طوری دگری نگریست. - بدون تایید و تکذیب باید گفت که نمونه بسیار سالمی از موسیقی پاپ ایران امروزاند.

□□□

این که آقای میثاقیان «سنتور» (سازی کاملاً سنتی و سنگین) را بزند و در جوانی معاشر استاد صبا و استاد تاج اصفهانی بوده باشد، باعث نشده که حال و هوای موسیقی سنتی در کارهایش سنگینی پیدا کند. بلکه برعکس، این حال و هوا در کارهای او خیلی کم‌رنگ است. البته در بروشور نوار ایشان مطالبی آمده همچون شاگردی نزد «حبیب سماعی» با سابقه‌ای که از او داریم، مشکوک و نامعلوم به نظر می‌رسد. اصولاً صرف مدتی شاگردی نزد «صبا» و اساتید معروف، امتیازی را برای نوازنده اثبات نمی‌کند. صرف شاگردی نزد یک استاد وقتی دارای اعتبار و قابل ذکر است که کار شاگرد در ادامه منطقی و یا حتی در تناقض منطقی با کار استادش باشد. در حالی که کار میثاقیان اصلاً نیازی به این تبارسازی‌های سنتی ندارد. کاری است مستقل و منحصر به فرد و قابل فهم و اتفاقاً بسیار نرم و سبک و دلنشین و همه‌پسند که اجرایش حکایت از دقت شنیداری و توانایی خاص فیزیکی و متافیزیکی در هماهنگ کردن ساز سنتی با دیگر سازهای گروه پاپ دارد. البته این مورد باعث نمی‌گردد که یک دگرگونی خاصی در موسیقی ایرانی بوجود بیاورد چه بسا که از اهمیت و اصالت موسیقی ایرانی بکاهد. و اصولاً از لحاظ بیان متفاوت‌تر از بقیه کارهای موسیقی در ایران است و مخاطبان فراوانی را در دور خود جمع کرده اما تحولی ایجاد نکرده است. هر چند که نوآوری امروز نیازی به پشتوانه سنتی ندارد و این خود باعث گردیده که شیوه‌ای نوین و خاص و منحصر در موسیقی میثاقیان بوجود بیاورد که می‌توانیم از آن تعبیر به شیوه چهارم نماییم. آری در مبحث نوآوری امروز، نیازی به پشتوانه دیروز نخواهیم داشت.

□□□

در ملودی‌های متنوعی که هم سمفونی «چهل مونزارت» را دارد و هم «شبهای مسکو» و هم «گل سنگ» و هم «می‌خوام برم کوه» و هم "There's so Many people" که (f.sinatra خوانده)، فقط صدای سنتور است که شنیده می‌شود و نه موسیقی مخصوص سنتور. همین است که می‌گویند ساز مهم نیست، موسیقی مهم است و نوازنده‌ای که موسیقی را می‌سازد. نوار گلهای خفته، مجموعه ملودی‌های زیبایی است که همه، از آنها خاطره‌های شیرین دارند. فضای کافه و بارهای نیمه شب و دیسکوتک در آنها حس نمی‌شود و عوالم از نوع مخدری نیست. حالتهای زشت و جلف هم ندارد. ساده و روان و شیرین و زودفهم است و با یکی دو بار شنیدن خستگی نمی‌آورد. تنظیم آن (که حداکثر یک سینتی سایزر پیشرفته و یک سنتور و یک تنبک علاوه بر ریتم ثابت دستگاه است)، نه خیلی پر سر و صداست و نه خیلی خالی و رخوتناک است. تعادل در آن رعایت شده و در ضمن نخواسته ادای ارکستر سمفونیک (عادت به برخی از تحصیلکردهای موسیقی) را دربیاورند. به طور کلی می‌توان گفت موسیقی است مردمی در قالبی تمیز و سالم. این موسیقی‌ای است که بعدها جای خودش را حسابی باز خواهد کرد و به نظر نویسنده، نوار میثاقیان از خوب‌ترین اثرهای پاپ در ایران بعد از انقلاب است.

□□□

هر سازی، غیر از امکانات کلاسیک خود و در بافت سنتی خودش، امکانات زیادی دارد که شناخته نشده، فقط ذهن جوان، احساس جوان و نیروی ابتکار جوان است که از عناصر سنتی، بیان مدرن می‌سازد و اگرچه میثاقیان، چندان جوان نیست و هم سن «گلهای رنگارنگ» است، ولی دلی جوان دارد و از عهدهٔ پرورش این گلهای جدید خوب برآمده است اما صد حیف که اهل فن با همه اشتراکهای عملی و نظریشان، هیچکدام دو کلام یکدیگر را قبول ندارند و از دایره محافظه کاریشان قدمی جلوتر نمی‌گذارند و دو کلمه در قبول یا رد نسبی کار همدیگر، نمی‌نویسند. این کار می‌بایست مورد نقد و بررسی بیشتر قرار بگیرد تا این کار بیشتر و بهتر شناخته شود. یکی از دلایل عدم پیشرفت و رقابت در هنر کشور ما همین بی‌تفاوت بودن هنرمندان نسبت به یکدیگر است. سنت نقد وقتی درست جا می‌افتد که تکلیف نقد و فاقد و مخاطب آن با یکدیگر روشن باشد.

معرفی کتاب

□ نام کتاب: شیوه تذهیب

● نویسنده: اردشیر مجرد تاکستانی

● انتشارات سروش

● چاپ دوم ۱۳۷۵

شیوه تذهیب کتابی است در ۶ فصل که عناوین ذیل را با خود دارد:

۱- نگرش بر طرحهای گوناگون تذهیب در دوره‌های مختلف تاریخ
۲- هنر تذهیب
۳- بررسی تفصیلی نقشهای تذهیب قوس حلزونی
۴- بررسی تفصیلی واژگان تذهیب لچکی
۵- تحول تذهیب
۶- مذهبان نامدار

□ شیوه تذهیب در ۱۹۹ صفحه و استفاده از طرح‌ها و اشکال مختلف کتاب مناسبی به جهت آموزش تذهیب می‌باشد که محصول پژوهش خوب مؤلف آن است.

در حال حاضر که انجام پژوهشهای هنری چندان رونق ندارد انجام و تألیف چنین کتابی دست مریزاد دارد و امید است انتشار این کتاب بهانه‌ای باشد برای تالیف و تدوین دیگر آثار پژوهشی که از اعتبار و صحت لازم برخوردار باشند و به خوبی هنر ایرانی - اسلامی را تبیین نمایند. ذیلاً گوشه‌هایی از این کتاب آورده می‌شود.

تعریف تذهیب

در فرهنگهای فارسی تعریفی دقیق از تذهیب وجود ندارد؛ تعریفی که ما را به اصل و منشاء این هنر رهنمون باشد. در برخی ازکتابهای قدیمی و اغلب تذکره‌ها فقط نامی از نقاشان و مذهبان آمده است که این برای دریافت معنای تذهیب کافی نیست. در لغتنامه‌ها، تذهیب را زرگرفتن و طلاکاری دانسته‌اند، اما این هم تمام معنای تذهیب نیست.

در دایره‌المعارفهای فارسی نیز تعریفهایی از تذهیب آمده است که به شیوه‌های تذهیب، در یک دورهٔ خاص از تاریخ، تعلق دارد.

به هر حال، تذهیب را می‌توان مجموعه‌ای از نقشهای بدیع و زیبا دانست که نقاشان و مذهبان برای هر چه زیباتر کردن کتابها مذهبی، علمی، فرهنگی، تاریخی، دیوان اشعار، جنگهای هنری و قطعه‌های زیبای خط به کار می‌برند. استادان تذهیب این مجموعه‌های زیبا را در جای جای کتابها به کار می‌گیرند تا صفحه‌های زرین ادبیات جاودان و متنهای مذهبی سرزمین خود را زیبایی دیداری نیز ببخشند. بدین ترتیب است که کناره‌ها و اطراف صفحه‌ها، با طرحهایی از شاخه‌ها و بندهای اسلیمی، ساقه، گلها و برگهای ختایی، شاخه‌های اسلیمی و گلهای ختایی و یا بندهای اسلیمی و ختایی و ... آذین می‌شوند.

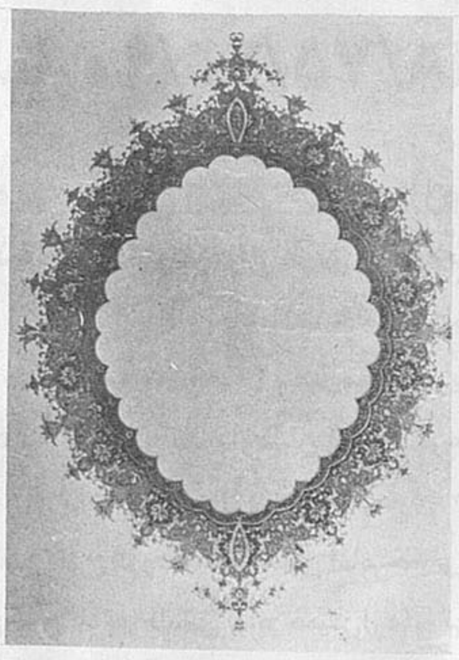

● آثار به جا مانده از مکتب مغولی هند که در نوع خود بی‌مانند است براین واقعیت حکایت دارد که این مکتب تداوم مکتب نقاشی ایران و هند است

پیشینهٔ تذهیب

پیشینهٔ آذین و تذهیب در هنر کتاب آرایی ایران، به دورهٔ ساسانی می‌رسد. بعد از نفوذ اسلام در ایران، هنر تذهیب در اختیار حکومتهای اسلامی و عرب قرار گرفت و هنر اسلامی نام یافت. اگرچه، چند زمانی این هنر از بالندگی فرو ماند، اما دگر بار، پویایی خود را به دست آورد. چنان که در دورهٔ سلجوقی، مذهبان آرایش قرآنها، ابزار و ادوات، ظرفها، بافته‌ها و بناها را پیشهٔ خود ساختند و چندی بعد، در دورهٔ تیموری این هنر به اوج خود رسید و زیباترین آثار تذهیب شده به وجود آمد. هنرمندان نقاش، صحافان و صنعتگران به خواست سلاطین از سراسر ایران فراخوانده شدند و در کتابخانه‌های پایتخت به کار گمارده شدند. بدین ترتیب، آثار ارزشمند و باشکوهی پدید آمد.

در دورهٔ صفوی، نقاشی، تذهیب و خط در خدمت هنر کتابی آرایی قرار گرفت و آثاری به وجود آمد که زینت بخش موزه‌های ایران و جهان است. اما، رنج هنرمندان بی‌ارج ماند و ارزش آنان، در زمان زندگیشان، شناخته نشد و هنر نقاشی و به ویژه تذهیب، پس از دورهٔ صفوی از رونق افتاد. اگرچه، هجوم فرهنگ غرب به ایران حرکت پیش رو این هنر را کند ساخت، ولی با زحمت هنرمندان متعهد و دوستداران هنر این مرز و بوم، شعلهٔ هنر تذهیب همچنان فروزان است.

مکتبهای تذهیب

تذهیب، همچون نقاشی، دارای مکتبها و دوره‌های خاص است؛ چنان که می‌توان از مکتبهای سلجوقی، بخارا، تیموری، صفوی و قاجار سخن گفت. هر مکتب برای خود شعبه‌های مختلف دارد. برای مثال، در مکتب تیموری شعبه‌های شیراز، تبریز، خراسان و ... را می‌توان تمیز داد. در واقع، رنگها، روش قرار گرفتن نقشها در یک صفحهٔ تذهیب و تنظیم نقشها، در مکتبهای مختلف، با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه، تذهیب در مکتب بخارا به آسانی از تذهیب در دیگر مکتبها باز شناخته می‌شود، چه، در مکتب بخارا از رنگهای زنگار، شنگرف، سو رنج و سیاه استفاده می‌شده است؛ در صورتی که در مکتبهای دیگر، این رنگها به این ترتیب ، کاربرد نداشته‌اند.

به هر حال، تذهیبهای دوره‌های مختلف، بیان کنندهٔ حالات و روحیات آن دوره‌ها هستند: تذهیبهای سدهٔ چهارم ساده و بی‌پیرایه، سده‌های پنجم و ششم ه ق متین و منسجم، سدهٔ هشتم ه ق پرشکوه و نیرومند و سده‌های نهم و دهم ه ق ظریف و نجملی هستند.

بررسی آثار تذهیب شده در دوره‌های گذشته، بر تأثیر فراوان هنر تذهیب ایران در دیگر کشورها - هند، ترکیهٔ عثمانی و کشورهای عربی - حکایت دارد. هنرمندانی که در اوایل دورهٔ صفوی از ایران به هند مهاجرت کردند، بنیانگذار مکتب نقاشی ایران و هند شدند و آثاری بزرگ از خود به جا گذاردند. آثار به جا مانده از مکتب مغولی هند که در نوع خودبی‌مانند است بر این واقعیت حکایت دارد که این مکتب تداوم مکتب نقاشی ایرانی و هند است.

در ترکیهٔ عثمانی، هنرمندان مذهب زیادی جلوه نکردند و اگر از آن کشورها، هنر تذهیب اوجی نیافت.

در واقع، هنر تذهیب ایران در دنیا یگانه است. در اروپا، به نوعی از آذین و آرایش، تذهیب می‌گویند و تذهیب ایرانی را با آن مقایسه می‌کنند؛ اما تذهیب اروپایی با تذهیب به شیوهٔ ایرانی، به طور کلی فرق دارد. آذینهای تذهیب اروپایی از ساقهٔ درختی مانند مو و برگهای رنگین تشکیل شده است و در کنار آنها، گاهی پرندگان، حیوانها، صورتهای مختلف انسان و مناظر طبیعی را می‌توان دید.۲

حمام وزیر تاریخی شد

اثر تاریخی حمام وزیر واقع در محله تاریخی در دشت کوچه محمد جعفرآباده‌ای اصفهان با شماره ۱۱۵۳ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسید.

بنای حمام وزیر جزئی از یک مجموعه شامل بازارچه، تیجه و کوی وزیر بوده است. به موجب سنگ نبشته موجود در حمام محله مزبور، بانی این مجموعه یکی از وزرای دوره سلطنت شاه عباس دوم صفوی است. این بنا به شیوه حمامهای زمان خود شکل گرفته و از سطح کوچه پائین‌تر است.

پوشش این حمام گنبدی شکل بوده نورگیری آن از سقف می‌باشد. این بنا دارای کاشی کاریهای بسیار زیبابوده که هنوز قسمتهایی از آن باقی مانده است.

به گزارش روابط عمومی سازمان میراث فرهنگی کشور این بنا از تاریخ ثبت تحت حفاظت این سازمان بوده و هرگونه تخریب و دخل و تصرف در آن جرم محسوب و مرتکب مشمول مجازاتهای قانونی خواهد بود.

نقاشی دیواری «اقامه نماز»

به منظور تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به ویژه جوانان و نوجوانان به امر خواندن نماز، طرح نقاشی دیواری با مضمون «نماز» در ضلع غرب میدان شادآباد، از سوی واحد زیباسازی شهرداری منطقه ۱۸ تهران اجرا شد.

این نقاشی دیواری که در مجاورت تعدادی مدرسه در دیواری به ارتفاع ۱۱ متر و عرض ۳۰ متر با رنگ روغن اجرا شده است، کودکی را نشان می‌دهد که در حال قنوت و اقامه نماز می‌باشد و در حاشیهٔ آن نیز اسماء متبرکه الهی با خط زیبای ثلث به تصویر کشیده شده که جلوه زیبایی را در آن محل ایجاد نموده است.

اجرای نمایش بینوایان در ماه مبارک رمضان

نمایش بینوایان به کارگردانی بهروز غریب‌پور و یکی از تولیدات نمایش فرهنگسرای بهمن طی ایام ماه مبارک رمضان همه روزه ساعت ۱۸/۳۰ در تالار شهید آوینی این فرهنگسرا به نمایش در خواهد آمد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل فرهنگسرای بهمن کلیه علاقمندان می‌توانند جهت تعیین جا با شماره تلفنهای ۵۳۱۲۳۰۰ و ۵۳۱۲۳۰۶ تماس حاصل نمایند.

نمایشگاه نقاشی آبرنگ در فرهنگسرای سرو

نمایشگاه نقاشی آبرنگ آقای علیرضا بایمانی از تاریخ ۷۵/۱۰/۲۹ تا ۷۵/۱۱/۵ در نگارخانه سرو دایر می‌باشد علاقمندان می‌توانند به نشانی خیابان ولیعصر، ضلع شمالی پارک ساعی - کوی ساعی مراجعه کنند.

رازهای معبد سبز

گروهی از باستانشناسان روسیه به نتایج مهمی درباره شناسایی تمدن ۵ هزار ساله بین‌النهرین شمالی دست یافتند.

«شاهمردان امیراف» رئیس گروه باستانشناسان روسیه اظهار داشت: «کاوش‌ها در شهر مدفون شده‌ای در نزدیکی روستای «تله چارتا» در شمال سوریه نشان می‌دهد که این منطقه، قدیمی‌ترین بخش بین‌النهرین شمالی است و به تمدن «اوروک» تعلق دارد.

وی گفت: «این شهر ۵ هزار ساله که در ۵ تا ۸ متری زیرزمین مدفون شده است به دلیل استفاده از گل سبز رنگی در ساخت آن به «معبد سبز» مشهور است و یک مرکز فرهنگی، اقتصادی و اداری بوده است.

یکی از مهمترین رازهای مربوط به این شهر، وجود معبدی است که پس از حدود ۵۰۰ سال بهره‌برداری به یکباره درهای آن بسته شده و دیگر کسی وارد آن نشده است.

آثار طنز نشریه «همشهری» در خانه کاریکاتور ایران

به گزارش روابط عمومی شهرداری منطقه ۳ در ادامه فعالیتهای نمایشگاهی خانه کاریکاتور ایران ششمین نمایشگاهی خانه کاریکاتور ایران ششمین نمایشگاه نشریات طنز با آثار طنز نشریه «همشهری» در خانه کاریکاتور ایران فعالیت خود را آغاز کرد، این نمایشگاه از تاریخ ۷۵/۱۱/۱ الی ۷۵/۱۱/۳۰ دایر خواهد بود.

عموم علاقه‌مندان جهت بازدید می‌توانند در ایام ماه مبارک رمضان همه روزه از ساعت ۹ الی ۱۶ و پس از ماه مبارک رمضان صبحها از ساعت ۱۹ الی ۱۲ و عصرها از ساعت ۱۵ تا ۱۸ به نشانی: خیابان شریعتی، جنب پل بزرگراه شهید همت - میدان کتابی، خیابان کتابی پلاک ۶۰ خانه کاریکاتور ایران مراجعه نمایند.

از لای پنجره

میهمانی خصوصی یا افطار

هنرمندی با هنرمند دیگر صحبت می‌کرد.

اولی: افطار دادن خیلی خوبه، اما به کی؟ به آدم روزه‌دار؟ به مستضعف؟ به کسی که سفره روزه و افطار براش تبرک است و ارزش داشته باشد.

دومی: دیگه چی شده:

اولی: بنشین، این بابا.... زنگ زده به بعضی از آقایان هنرمند که روز پنجشنبه افطار دعوت هستید تشریف بیارید کارت دعوتتون رو برای هتل لاله بگیرید. جالب اینجاست که بعضی از این آقایان بدون توجه به اینکه چقدر موضوع روزه و افطار به آنها مربوط می‌شود و اینکه مسائل صنفی را نباید فراموش کنند آنچنان گوی سبقت از هم گرفته‌اند که انگار سرنوشت آنها در گرو این گوی و این مهمانی خصوصی است و خلاصه کلام اینکه از ماست که برماست.

بعد هم سرش را نزدیک گوش دومی برد و چیزهایی نجوا کرد که حقیقتاً من متوجه نشدم. اما لای این پنجره را هم ابتدا کیپ میکنم و بعد عرض می‌کنم که آقای مسئول تا حال فکر کرده‌اید چه عواملی سبب می‌شوند هنرمند ما اینگونه شوند؟ آیا این فرق گذاشتن‌ها نتیجه خوبی خواهد داشت؟ و .....

□ شهریار